

نقی زاده، امید روحانی و اکبر رحمتی بود که خردادماه گذشته، در قلاب تلویزیون جای گرفت. این مجموعه، به طرز عجیب و دور از ذهنی، ادامه داستان زیرخاکی (۱) را روایت می‌کند. که با خارج شدن فریبز از مرز و آغاز تجاوز حزب بعث عراق به ایران شروع می‌شود و این فصل نیز بازم به گونه شگفت‌آوری، مانند فصل قبلی اتفاقاتی را برای خانواده فریبز (پژمان جمشیدی) به همراه دارد که بعضی‌هایشان خنده‌دار هم هستند. نقد طمع تمام نشدنی آدمیزاد و عبرت نگرفتن از اتفاقات گذشته، همین‌طور بازی روان پژمان جمشیدی و ژاله صامتی، از نقاط قوت این سریال تلویزیونی بود.

■ **نون خ (۳)** را خیلی هاناجی تلویزیون در نوروز ۱۴۰۰ می‌دانستند و هنوز هم می‌دانند. سعید آقاخانی، در این مجموعه، نوشته‌ای از سعید و فابی را کارگردانی و بازی کرده است. این سریال که از سه شبکه تماشا، نسیم و سراسری (یک) پخش شد، توانست یکی از پربیننده‌ترین سریال‌های نوروز گذشته به انتخاب مردم باشد که خیلی هم دور از ذهن نبود. سعید آقاخانی سه کار را به جای سه کار دیگر انجام داد و توانست. اول اینکه به جای بُردن دوربین به خطه سرسبز شمال از قسمت دوم سریال، از همان قسمت اول، آن را به میان زیبایی‌های طبیعت و لباس و گویش غرب کشور بُرد. دوم، به جای فریاد کشیدن و استفاده از حرکات ژانگولر برای خنداندن به زور، بابیان مشکلات و مسائل مردم مهربان مناطقی از کشور، به سوی طنز واقعی حرکت کرد. و سوم اینکه از

فرصت و ظرفیت سریال تلویزیونی استفاده کرد و مسائل روز مردم از قبیل بیماری کرونا، محرومیت‌های ناشی از غافلگیری مسئولان از سیل و زلزله، ورود جمع کثیری از مردم ناآشنا به فضای آشنا و متزلزل بورس و... را در قلاب طنز بیان کرد. مثل معدن طلا که بهادر خان پیدا کرد و همین‌طور که مردم روستا یکی یکی خود را شریک معدن می‌کردند، بر اثر «انفجار» اشتباه، آب قنات به معدن افتاد و...

■ **نوروز رنگی**، از این سریال‌ها که صداوسیما مرکز، چند هنرپیشه و دو دست لباس به مراکز استانها می‌دهد تا فیلم و سریال خودشان را بسازند و در جشنواره تولیدات استانها شرکت کنند؛ نیست، بلکه نوروز رنگی را علیرضا مسعودی با بازی جواد خواجوی، رابعه اسکویی، هادی عامل هاشمی، یوسف تیموری، شهرام قاندي، پریسا مقتدی و خودش! ساخته است. وی که از سال ۱۳۷۲ و با ساعت خوش، ارث بابام، کوچه اقاچیا، سه در چهار، بزنگاه، سه دنگ سه دنگ و لیسانس‌ها، نویسندگی طنز را تجربه کرده است، سعی کرده در نوروز رنگی، نگاهی هم به سریال قبلی خود، یعنی قرارگاه مسکونی داشته باشد که هردوی اینها، در محیطی کمتر دیده شده و با داستان‌هایی کمتر گفته شده، ساخته و پرداخته شده‌اند. داستان‌هایی که علی مشهدی، قبلاً و به صورت پراکنده آنها را در استندآپ کمدی‌های خود و با عنوان خاطرات من و بابام یا خاطرات سربازی، تعریف کرده بود. غیر از این، بی انصافی است که نقش جواد(آقا) جواد



خواجوی) که از پیشینه و جایگاهی در فضای مجازی برخوردار است، را نادیده گرفت. نوروز رنگی نوروز همین امسال، از شبکه پنج سیما پخش شد.

■ هنوز هم جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۴ یا یورو ۲۰۰۴، در یاد بسیاری از دوندگان و بینندگان مستطیل سبز، به یادماندنی و شگفت است. در این مسابقات پرتغال به عنوان تیم میزبان و ۱۵ تیم، حضور داشتند که از همان اول، چشم‌ها را گرد و بعضاً وق زده کردند. آلمان، ایتالیا و اسپانیا در مرحله گروهی حذف شدند. فرانسه در حالی که مدافع عنوان قهرمانی این مسابقات بود، در مرحله یک چهارم نهایی در مقابل یونان شکست خورد و حذف شد و یونان، که پس از ۲۴ سال و برای دومین بار موفق به حضور در مسابقات جام ملت‌های اروپا شده بود، در نهایت توانست با خوردن پرتقال، برنده این دور مسابقات شود. به اذعان برخی فعالان فرهنگی و منتقدین، **وضعیت زرد** هم در مسابقات سریال‌های تلویزیونی طنز امسال، «یونان» است میان سریال‌ها و مجموعه‌های طنز تلویزیون. دکتر سعید کاظمی (زین العابدین تقی‌پور) از طراحان سانسورفیوژهای نسل جدید در سازمان انرژی اتمی است که در دولت تدبیر و امید و به بهانه اینکه چرخ زندگی مردم باید بچرخد، از این سازمان اخراج می‌شود. وی مجبور است برای تأمین خرج زندگی نوپای خود، در دفتر یکی از بستگان دور، که نوعی از شارلاتان‌های رسانه‌ای آن روزها است، مشغول شود و ماجراهایی که با فرار گرفتن یک دانشمند هسته‌ای، در موقعیت نامربوط «پشت پرده رسانه - قدرت» ایجاد می‌شود، هم مخاطب را می‌خنداند و هم بار طنز پیام‌دار سریال را به دوش می‌کشد. نقطه قوت پُررنگ‌تر این سریال، استفاده از نویسنده طنزپرداز در مراحل نوشتن فیلمنامه و بازگردانی است. اتفاقی که



خضریان، نماینده مجلس اعلام کرد دو تن از مفسدین مشهور اقتصادی، ماه‌هاست در مرخصی هستند و نمی‌آیند. جالب آنکه خود زندان نیز پیگیر حسین فریدون و هادی رضوی نیست. این دو در حالی مشغول استفاده از مرخصی هستند که حتی مهدی هاشمی با آن عظمت (!) و آن مادر و خواهر، پس از چند ماه به زندان بازگردانده شده. در دایرةالمعارف دم‌کلفت‌ها چیزی در این باره ذکر نشده و اینا دیگه کیان.

۱۲

